

موسیقی نواحی استان کرمان

فواد توحیدی^۱

چکیده

کرمان، پهناورترین استان کشور با تمدنی بسیار کهن، منبع عظیم ملودی‌ها، نغمه‌ها، سازها و آداب و سنت‌هاست. موسیقی کرمان، متنوع و منحصر به فرد است و یکی از پیچیده‌ترین حوزه‌های موسیقی بومی ایران به‌شمار می‌رود. از ده ساز شاخص در موسیقی نواحی، حداقل شش ساز آن متعلق به استان کرمان است. این موسیقی سرشار از مضامین حماسی، اعتقادی، اجتماعی و توصیفی است و احساسات و ارزش‌های اخلاقی - انسانی را تبلیغ می‌کند. لالایی‌ها، ترانه‌ها، سوگ‌آواها، موسیقی صوفیانه، مذهبی و زورخانه‌ای از انواع موسیقی‌های نواحی استان کرمان است.

کلیدواژه‌ها: موسیقی نواحی، موسیقی کرمان، سازهای محلی، نغمه‌ها، ترانه‌ها

۱. کارشناسی مدیریت بازرگانی و پژوهشگر موسیقی نواحی ایران، مسئول دبیرخانه جشنواره موسیقی نواحی کشور
www.Foad-tohidi.ir

مقدمه

با توجه به پژوهش‌های انجام شده در موسیقی نواحی استان کرمان که با بیش از صد سفر به نواحی مختلف استان در مدت نزدیک به پانزده سال انجام گرفته است، می‌توان به این نکته مهم اشاره کرد که کرمان به عنوان پهناورترین استان کشور با تمدنی بسیار کهن و با دارا بودن اقوام، قبایل و طوایف مختلف و با گویش، لهجه و فرهنگ‌های خاص خود، منبعی عظیم و بکر از ملودی‌ها و سازهای نواحی و آداب و رسوم به شمار می‌رود.

میزان موسیقی در این استان شاید معادل سه استان موسیقی خیز در کشور باشد و اگر ده ساز منحصر به فرد و شاخص در موسیقی نواحی سراغ داشته باشیم، حداقل شش ساز آن متعلق به استان کرمان است. (درویشی، ۱۳۸۶: ۲۳)

وجود تعداد زیادی از عشایر در استان کرمان و وجود اقوام و نژادهای مختلف کرد، عرب، لر، ترک و بلوچ در استان به همراه وسعت بسیار زیاد این منطقه، سبب تنوع و پیچیدگی موسیقی این استان شده است؛ به طوری که دکتر منصوره ثابت زاده^۱، موسیقی کرمان را متنوع و منحصر به فرد و یکی از پیچیده‌ترین حوزه‌های موسیقی‌شناسی بومی ایران ذکر می‌کند.

با توجه به گوناگونی مقام‌ها، ترانه‌ها و سازهای مختلف استان می‌توان به این نتیجه کلی رسید که موسیقی استان کرمان نیز به لحاظ کیفیت و کمیت منحصر به فرد خود، جایگاه ویژه‌ای در کشور دارد که تا به حال به دلایل بسیاری از قبیل وسعت بسیار زیاد استان، آب و هوای سخت و متغیر، صعب‌العبور بودن راه‌های اتصالی و کمبود پژوهشگر بومی متخصص، به اندازه واقعی خود به آن توجه نشده است که جا دارد پژوهشگران توجه ویژه‌ای به این منبع سرشار و ارزشمند داشته باشند.

فرهنگ‌شناسان بر این اعتقادند که بارزترین نشانه قومیت و بهترین وسایل شناسایی خصلت‌های یک ملت، فرهنگ بومی آنهاست. در حقیقت، فرهنگ بومی بازتابی از موجودیت و ارزش‌های هر قوم و گروه است.

۱. دکتری زبان و ادبیات فارسی، استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات و پژوهشگر موسیقی

مردم ساده و پرتلاش که در کوه و دشت به سادگی زندگی می‌کنند، به دلیل انس بدون واسطه با طبیعت، از تمام مظاهر زندگی پیرامون خود متأثر می‌شوند و متناسب با درک و اندیشه‌های خود نسبت به آنها واکنش‌های بی‌ریا نشان می‌دهند. اعتقادات، روحیات، ارزش‌ها و باورهای این مردم به وضوح در رفتار، گفتار، عادات، سنن و هنرهای آنها متجلی است. قصه‌ها، شعرها، آوازاها و نغمه‌های آنها به راحتی و روشنی پرده از راز درون و ویژگی‌های عاطفی آنها برمی‌دارد و در میان تمام عناصر فرهنگی، موسیقی بومی بیش از بقیه، بیان‌کننده ارزش‌ها و باورهای یک ناحیه است.

با مروری بر تاریخ گذشته ایران تا کنون، مشاهده می‌شود که در سرزمین‌های بزرگ، با وجود شباهت‌های موجود در شرایط و روش زندگی، در رفتار، موسیقی و آداب و سنن آنها تفاوت‌هایی دیده می‌شود و همان‌طور که شرایط آب و هوایی بر زبان، لباس و شکل ظاهری مردم تأثیر می‌گذارد و آنها را از هم متمایز می‌سازد، موسیقی آنها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به طوری که خود به تنهایی می‌تواند مشخص‌کننده قوم خاصی باشد و شناسنامه دقیقی از مردم آن منطقه به دست دهد. غنای موسیقی بومی به اندازه‌ای است که موسیقیدان‌های بزرگ جهان به منظور دستیابی به نغمه‌های خالص، ساده و گوش‌نواز به آن روی آورده‌اند؛ بتهوون، برامس^۱، چایکوفسکی، بارتوک، کدالی^۲ و سایرین در خلق آثار خود از موسیقی بومی بهره‌های بسیاری جسته‌اند. در این نوشتار تلاش می‌شود هر چند مجمل، به موسیقی نواحی استان نغمه‌خیز کرمان اشاره شود:

انواع موسیقی نواحی در استان کرمان

به طور کلی می‌توان موسیقی نواحی استان را به اقسام زیر تقسیم کرد:

۱. لالایی‌ها

۲. ترانه‌ها و آواز کار

۳. ترانه‌های شادمانی

1. Brahms

2. Kodaly

۴. ترانه‌های مناظره

۵. ترانه‌های عاشقانه، روایی و حماسی

۶. سوگ‌آواها

۷. موسیقی صوفیانه و قلندری

۸. موسیقی مذهبی

۹. موسیقی زورخانه‌ای

پیش از تعریف اجمالی هر یک از این انواع موسیقی، باید به این نکته توجه کنیم که پیوند عمیق و گره خورده موسیقی عشایری استان کرمان با موسیقی بومی و حتی در بعضی موارد موسیقی کولی‌ها، تفکیک بین آنها را تا حد زیادی غیرممکن کرده است؛ به طوری که نمی‌توان تفاوت چندانی در اجرای مقام‌ها و ترانه‌های رایج آنها حس کرد. به طور کلی می‌توان گفت، عشایر و کولیان عامل اصلی انتقال و داد و ستد فرهنگ و آداب و رسوم خود و سایر مناطق استان بوده و هستند.

۱. لالایی‌ها

شاید نخستین قطعه موسیقایی که در زندگی هر کس شنیده می‌شود، لالایی است. لالایی‌ها در استان کرمان با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و گویش‌های منطقه‌ای با تنوع بسیار زیادی اجرا می‌شوند. از آنجا که به نظر می‌رسد برای کودک فقط بار موسیقایی لالایی و آرامش یافتن او از شنیدن فرکانس‌های منظم، قابل استفاده است، اشعار لالایی بیشتر درددل‌ها، بیان رنج‌ها و ابراز محبت‌هایی است که مادران با فرزندان خود دارند، بدون اینکه توقع درک و فهمی واقعی را از طرف مقابل داشته باشند. پس می‌توان گفت در بیشتر مواقع، خواننده لالایی نیز از خواندن آن به آرامش روحی می‌رسد. به طور کلی هیچ ناحیه‌ای در استان کرمان وجود ندارد که در آن لالایی اجرا نشود و این لالایی‌ها را می‌توان براساس گویش اشعار و فرم‌های اجرای آن، به قسمت‌های مختلفی تقسیم کرد. برای مثال، اشعار لالایی‌های اطراف رودبار به علت روحیه جنگاوری و حماسی منطقه، بیشتر به

موضوع جنگ و دلاوری می‌پردازد، ولی در بین عشایر منطقه بافت، موضوع اشعار بیشتر به کوچ، غربت و انتظار اختصاص دارد.

۲. ترانه‌ها و آوازهای کار

زنان و مردان استان متناسب با کار و پیشه خود، آوازاها و ترانه‌هایی را زمزمه می‌کنند که قابل توجه هستند. این ترانه‌ها و آوازاها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف) آنهایی که جنبه کاری دارند و نبود آنها باعث اختلال در کار می‌شود؛ مانند نقش‌خوانی در قالبیاف‌خانه‌ها، مقام‌های ساریانی، ملخ‌زنی، اعلان فوت، بیدار کردن مردم هنگام سحر، دور کردن حیوانات وحشی و جمع‌آوری نذورات.

ب) ترانه‌ها و آوازهایی که همراه با کار یا برای رفع خستگی و دل‌تنگی خوانده می‌شوند؛ مانند ترانه‌ها و آوازهای کوچ، ترانه‌های مخصوص کاشت و برداشت محصول، آوازهای چوپانی، ترانه‌های حنابندی، پته‌دوزی و شیرینی‌پزی...

پ) آنهایی که در مراسم آئینی اجرا می‌شوند؛ مانند نوبت‌نوازی، وردخوانی، ترانه‌های جشن سده، ترانه‌های مربوط به آیین طلب باران (شاپارون، گشنیزو، تالو)، اسب‌بازی، کلیدزنی، الله‌مضونی، نوروزخوانی، جشن چهارشنبه‌سوری، شب یلدا و سرچراغ.

۳. ترانه‌های شادمانی

این ترانه‌ها در تمام مناطق استان، البته با ملودی‌ها و ترکیب‌های سازی مختلف اجرا می‌شود. به طور کلی به گروه‌های نوازنده شادمانه در استان کرمان، ساز و دهلی، لوطی، مطرب و سوری گفته می‌شود.

در کل، مقام‌ها و ترانه‌ها در اصطلاح محلی استان، به «رُ» (ro) به معنی راه و در بعضی مناطق به «بحر» معروف‌اند.

مشهورترین «رُ‌های» شادمانی عبارت‌اند از:

خیلون (xeylun) یا مردم‌خوانی، سرآسیابی، نون‌پزون و قریونی، عاروس‌کشون، شست گل‌داره حنا (šaste gol dâre henâ)، حنابندون (حنابندی)، پاآتشی، سرتراش، سرا (sare o)

یا سریو بگنال (sareyu begonâl)، شکر پاره‌کنی (šekar pâre keni)، ای یار مبارک، در حمومی (ای حموم درآرین)، اجاق بوس، بیرقی، آبادون، روونی، سر سر (sare sar)، پیشواز، یار پشه بند، در تختی، پاتختی یا حجله روون (حجله برون) یا حجله گشون، هلوهالو (helu hâlû)، مونه تک (mune tak)، نباتم (nebâtom)، سرصندوقی، بچار (bejâr)، آواهای شادی، شیر علی مردون، یه رو، فلک (felak)، پای لنگو (pâye langu)، پیرن خریدم (piran xaridom)، تو تنگ حنائی جانم (tu tange hanâei jânam)، گودی، داد ای دسته گل، شینکم‌گته (šeynakom gete)، مریلا (moreylâ)، شیرین سبزه (širine sabze)، شینک زرین (šinake zarin)، یو بارونک (yo bârunak).

و هم چنین قهر و آشتی، رُی اسفندقه، خلق کن و...

این رُها بیشتر با ساز سورنا نواخته می‌شود. تقریباً در تمام نواحی استان کرمان، سورنا حضور پررنگ‌تری نسبت به سایر سازها دارد. برای همین به سورنا، در اصطلاح محلی «ساز» و به نوازنده آن «سازی» گفته می‌شود. سازهای دیگری که در اجرای مقام‌های شادبانه استفاده می‌شوند، عبارت‌اند از:

کرنا، دایره، درک (dorak)، تمبک محلی، جاریگ (jârig)، چو غرو (çu qoru)، کوزک (kuzak)، جرّه (jorre)، نقاره، نی مشکلی، تمپو، چنگ (قیچک محلی)، چنگ قطی (çang qoty) و یروتی (yaruti).

۴. ترانه‌های مناظره

این ترانه‌ها بیشتر در مهمانی‌ها یا جشن‌ها و به صورت سؤال و جواب، بین دو نفر یا دو گروه خوانده می‌شود و جنبه سرگرمی دارد. این ترانه‌ها گاهی در مراسم عروسی و به وسیله دو گروه، یعنی اقوام داماد و اقوام عروس خوانده می‌شود.

یکی دیگر از ترانه‌های مناظره‌ای، «چهل بیت‌خوانی» است. در چهل بیت‌خوانی، دو گروه به صورت سؤال و جواب شروع به خواندن اشعار به صورت آوازخوانی می‌کنند. این مسابقه آنقدر ادامه می‌یابد تا یک گروه نتواند جواب گروه دیگر را بدهد. شرکت‌کنندگان

در این مسابقه باید دارای صدایی خوش باشند و حضار در هنگام خواندن آنها را با جمله «الهی نمیری»، تشویق می‌کنند.

۵. ترانه‌های عاشقانه، روایی و حماسی

این ترانه‌ها معمولاً قصه‌هایی را بیان می‌کنند و مضمون‌های عاشقانه، روایی یا حماسی دارند.

مهم‌ترین این ترانه‌ها عبارت‌اند از:

عیسی خان، گرامی خان، مهدی جان، تاج محمد، جلال خان، احمد خانی، جنگجو، سَرِ کِلات اوسْتَم، شاهنامه‌خونی، شعر دوراندیش، کامران، کَلِی سَف (کَل یوسف)، تهلیا، گیسِه گل (گیسه گو)، شو پای دهنو، همدم، کهنویی، سکینه، اُرُن سَرِنْدی، ای خدا خداییش نابو. سبزه پری، شاهنامه خرم و زیبا، علی خان، مغول دختر، مهدی جان، کامران یاغی، کوچکعلی یاغی، برادر برادر، دلیری، خال گردن، پای جم فاریاب، نازی دلبر، شینک دلال، گل پی کنارم، آمنه و رستم خان نیز از جمله این ترانه‌ها هستند.

این ترانه‌ها معمولاً بیان حماسه یا سرگذشت بزرگانی است که دهان به دهان و بیشتر از سوی خوانندگان یا نقّالان، به نسل‌های بعد منتقل شده است. بعضی از این داستان‌ها به صورت آوازی و بعضی به صورت ترانه خوانده می‌شود.

۶. سوگ‌آواها

آوازهایی هستند که در ماتم عزیزان یا معشوق از دست رفته خوانده می‌شود. به برخی از این ترانه‌ها اشاره می‌شود:

گرتی خونی، شرمه (šarme)، غریبی خونی، خرمی، بیابونی، فارغونی، سرکوهی، بالایی، گودی، بالاولاتی، دی کن (dey kan)، سوغونی (soquni)، کهنویی (kahnuei)، سرحدی، دشتی، سرآوردی (serâvordi)، سالک (sâlak)، کسرکندی (keserkandi)، رودباری، زهری (زهیرکی) (zeheri)، دی هو (deyhu)، جزوناتی (jezunâti)، مورک‌خوانی (murk xâni)

سوغ آواها در تمام مناطق استان با اشعار و فرم‌های آوازی متفاوت، به همراه نی محلی، چنگ و سورنا اجرا می‌شود. این آوازا ناله‌هایی است از دل، که هر شنونده‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۷. موسیقی صوفیانه و قلندری

سازهای مورد استفاده در این نوع موسیقی دپ، سنج، تاس، سه‌تار و نی است. در مراسم در گذشت بزرگان و مشایخ کرمان نیز از همین سازها استفاده می‌شود، البته با ملودی‌هایی شاد و عارفانه، به جای موسیقی سوگ و عزا، زیرا آنها معتقدند وصال به حق را باید شادمانه جشن گرفت.

اضافه کردن سیم سوّم سه‌تار و به روایتی تبدیل دوتار به سه‌تار از سوی مشتاق‌علیشاه در کرمان، به عظمت بُعد موسیقی عرفانی این خطّه کمک کرده است.

۸. موسیقی مذهبی

مداحی، مولودی‌خوانی، چاووش‌خوانی، تعزیه‌خوانی (شبییه‌خوانی)، پامنبری‌خوانی، روضه‌خوانی، مناجات‌خوانی، پیش‌خوانی، سحری‌خوانی، نوحه‌خوانی، علم‌پندی و تکیه‌خوانی از انواع موسیقی مذهبی در استان کرمان است که از بین آنها مولودی‌خوانی، تعزیه‌خوانی و چاووش‌خوانی، از اهمّیت بیشتری برخوردار هستند.

۹. موسیقی زورخانه

وجود زورخانه‌های بسیار در استان کرمان، نشان از اهمّیت این ورزش در بین مردم استان دارد.

کتابه چهارصد ساله زورخانه عطایی کرمان و همچنین عکس‌های موجود از ورزشکاران و مرشدهای قدیمی به همراه تنبک زورخانه در سازمان اسناد ملی استان، قدمت این ورزش را در استان کرمان نشان می‌دهد. ضرب زورخانه موجود در موزه آتشکده زرتشتیان کرمان نیز نمونه‌ای قدیمی و بی‌نظیر از این ساز است.

در میان عکس‌های قدیمی زورخانه، عکس یک نفر به نام «ایاز نی‌زن» که در کنار مرشد به نواختن مشغول است، بسیار جلب توجه می‌کند. در نقاشی‌های قدیمی سقف چهارسوق بازار کرمان و همچنین سر در حمام گنجعلی‌خان کرمان افرادی در حال انجام حرکات ورزش باستانی به همراهی ضرب زورخانه دیده می‌شوند.

سازهای نواحی کرمان

در این بخش به اجمال به سازهای نواحی استان کرمان پرداخته خواهد شد که برخی از آنها نه تنها در کشور، بلکه در تمام دنیا منحصربه‌فرد هستند. این سازها به ترتیب اهمیّت به سه گروه سازهای کوبه‌ای، بادی و زهی کمائی (آرشه‌ای) تقسیم می‌شوند.

۱. سازهای کوبه‌ای

در تقسیم‌بندی معمول، سازهای کوبه‌ای به دو دسته پوستی (ممبرانوفون) و بدون پوست (آیدیوفون) تقسیم می‌شوند. سازهای کوبشی پوست‌دار رایج در استان عبارت‌اند از: جوغ، چوغرو، جاریگ، ڈرک، انواع مختلف دایره و دپ، دایره زنگی، تاس، انواع ڈهل و جرّه، انواع نقاره، تمبک محلی و تمپو. سازهای کوبشی بدون پوست رایج در استان عبارت‌اند از: کوزک، سنج انگشتی، چوسر (cuser چوب سحر)، چلیک، خلخال و کمر بند زنگوله دار.

۱-۱. سازهای کوبشی پوست‌دار

۱-۱-۱. جوغ

سازی سنگی از نوع کوبه‌ای یک طرفه است که روی دهنه آن را با پوست بز یا گوسفند می‌پوشانند.

تا دو دهه قبل، این ساز در بین گروهی از ساربانان و شتربانان استان رواج داشته است.

به این ترتیب که آن را با طناب روی شتری به نام شتر سرآهنگ (راه بلد) می‌بسته‌اند و ساربان در هنگام بروز طوفان شن، از آن به عنوان ساز راهنما استفاده می‌کرده است، به صورتی که برای ایمنی از شن‌های بیابان روی خود را با پارچه‌ای می‌بسته و فقط با ضربه زدن به پوست جوغ، شتران را به دنبال



شتر سرآهنگ می‌کشانده است. به عقیده محمدرضا درویشی این ساز یکی از معدود سازهای سنگی دارای پوست در جهان است. (همان)

۱-۱-۲. چوغُرو

این ساز نیز یکی از سازهای منحصربه‌فرد است و شاید تنها ساز پوستی چهارگوش دوطرفه در جهان است. فن نواختن چوغرو شبیه دایره است، ولی دوطرفه بودنش آن را در گروه پوست صداهای دوطرفه قرار می‌دهد.



نوازنده چوغرو، بیدخون مرغک بم

نوع ساختمان چوغرو به صورتی است که نواختن را بسیار مشکل می‌کند و حتی انتظار صدای قابل قبولی را هم از این ساز نمی‌توان داشت، ولی با این حال نوازندگان، این ساز را با مهارت می‌نوازند و صدای قابل قبولی را هم ایجاد می‌کنند. متأسفانه این ساز در رده سازهای در حال انقراض است.



جاریگ بدنه چوغرو

۳-۱-۱. جاریگ

به معنای جا یا مکان ریگ است و گاه به آن بشکن نیز می‌گویند. جاریگ از سازهای منحصر به فردی است که در گروه خود «صدا - پوست صداها» قرار می‌گیرد. جاریگ، سازی استوانه‌ای و کوچک است که بر دو دهانه آن پوست می‌کشند و داخل آن مقداری سنگ ریزه (ریگ) می‌ریزند. نوازنده در حال اجرای ضرباهنگ بر روی یکی از پوست‌ها، جاریگ را در حالتی شوک‌دار، پایین و بالا می‌کند و از برخورد ریگ‌ها با پوست بالا و پایین، صدایی ایجاد می‌شود.

۴-۱-۱. دُرک

نوعی پوست - صدای دو طرفه است که از سوی گروهی از کولیان سیرجان نواخته



می‌شود. این ساز رابطی میان دایره و سازهای خانواده دهل است.

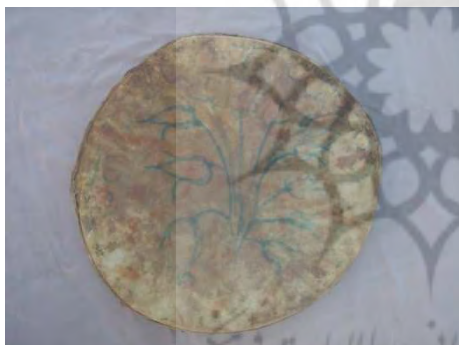
در هیچ جای کشور سازی با ویژگی‌های دُرک یافت نمی‌شود. دُرک از طرفی شبیه به یک دهل دو طرفه کوچک با بدنه کوتاه استوانه‌ای کوتاه و از طرف دیگر مانند دایره‌ای دو طرفه است. نواختن

دُرک با دست و فنون اجرای آن، این ساز را بیشتر به خانواده دایره نزدیک می‌کند.

۱-۱-۵. دایره و دپ

این ساز با ابعاد و اندازه‌های مختلف و فن نوازندگی متنوع، در بیشتر مناطق استان نواخته می‌شود. در میان فنون نوازندگی، نوع نوازندگی دایره در شهر بابک بسیار منحصربه‌فرد است؛ نوازنده آن را به صورت نشسته و با تکیه دادن بر روی یکی از پاها اجرا می‌کند. در یکی از روستاهای کولی‌نشین به نام ده نو (dehno یا دهنه = dahane) نیز بر روی پوست دایره به صورت ضربدری، روده گوسفند می‌کشند تا در هنگام ضربه به پوست دایره، صدایی ترکیبی شبیه به درام را ایجاد کند.

دراویش و زرتشتیان کرمان نیز از نوعی دایره به نام دپ استفاده می‌کنند. طرز نوازندگی دپ در بین این دو گروه متفاوت است. زرتشتیان این ساز را با انگشت می‌نوازند و از آن در مراسم گوناگون از جمله جشن تیرگان، مهرگان و سده استفاده می‌کنند. اشعاری که به همراه دپ خوانده می‌شود، بیشتر به زبان فارسی دَری است.



دپ صد ساله دراویش کرمان



نوازنده دایره روده‌ای

۱-۱-۶. دایره زنگی

این ساز از نظر فرم و اضلاع، نوع کشیدن پوست و حلقه‌ها که به صورت بته‌جقه است، در ایران منحصربه‌فرد است.



در کل، دایره‌های چند ضلعی ایران فقط در مناطقی مانند بیرجند و جنوب خراسان دیده شده است و آن هم از نظر تعداد اضلاع با دایره‌های کرمان تفاوت دارد.

جالب اینکه دایره زنگی ده ضلعی کرمان از نظر ابعاد بزرگ‌تر از دف است و این باعث می‌شود که این دایره دارای صدای بم‌تری نسبت به انواع مختلف دایره باشد.

سازی با قدمت حداقل دویست سال موجود است که به شخصی به نام «نمکو دایره‌زن» تعلق دارد که از اجدادش به ارث برده است. به گفته او قبلاً اکثر دایره‌های کرمان به این شکل بوده است، ولی پس از ورود کولی‌ها به کرمان و رواج نوازندگی دایره‌های گرد، به تدریج ساخت و نوازندگی این دایره‌ها منسوخ شد. این ساز هم اکنون در موزه موسیقی تهران نگهداری می‌شود.

۱-۱-۷. تاس

سازی است مسی که دهانه آن را با پوست گوساله می‌پوشانند و با چوب می‌نوازند.



۱-۱-۸. دُهل و جُرّه

دهل‌ها در مناطق مختلف استان به دو صورت بدنه فلزی و بدنه چوبی و با ابعاد متفاوت وجود دارند. در کنار دهل‌ها (به غیر از دهلی که با چوب و ترکه نواخته می‌شود) از نوع کوچک‌تری از دهل

به نام جُرّه نیز در استان استفاده می‌شود که معمولاً در کنار دو دهل نواخته می‌شود. جنس و شکل جُرّه با دهل منطقه مورد استفاده مشابه است و فقط به علت کوچک‌تر بودن ابعاد و در نتیجه قطر دهانه پوست‌ها، صدای زیرتری را ایجاد می‌کند.

دهل‌ها و جُرّه‌های بدنه فلزی، بدنه‌ای بلند دارند که به وسیله تسمه‌ای چرمی به شانه نوازنده متصل و با یک دست و یک کوبه (چوب) نواخته می‌شوند.



جره جیرفت



دهل جیرفت

گاهی نوازندگان حرفه‌ای دهل، در حین نوازندگی با سرعت به دور خود می‌چرخند یا به حرکات آکروباتیکی از قبیل رد کردن و چرخاندن دهل از بین پاها، (البته با حفظ ضرباهنگ) می‌پردازند. در بعضی مناطق استان به دهل بزرگ سردهل یا مادر دهل گفته می‌شود.

«چاردار» نیز یکی از ضربانگ‌های تند و مهیج در دهل‌نوازی استان است. چار به معنی چهار و دار به معنی چوب دهل است.

دهل‌نوازی علاوه بر مراسم شادمانی، در مراسم سوگ و تعزیه‌خوانی مناطقی مانند سیرجان و رابّر نیز به کار می‌رود. تا سه دهه پیش در مناطقی از استان، از نوعی دهل برای بیدارکردن اهالی و خوردن سحری در ایام ماه مبارک رمضان استفاده می‌شده است؛ به این صورت که فردی با دهل در شهر راه می‌افتاده و با خواندن اشعاری خاص و نواختن دهل، مردم را به خوردن سحری فرا می‌خوانده است.

۹-۱-۱. نقّاره

دو نوع نقّاره در استان کرمان رایج است. یکی نقّاره‌های سفالی که در مناطقی مانند امیرآباد شول رایج است و دیگری نقّاره‌های فلزی که در مناطقی مانند شهربابک، شهداد و دران مورد استفاده قرار می‌گیرد.



نقاره شهداد



نقاره شهداد

در یکی از امامزاده‌های شهداد به نام امامزاده زید، مراسم نقاره‌نوازی (نوبت‌نوازی)، به صورت روزانه و در دو نوبت (قبل از طلوع آفتاب و هنگام غروب) اجرا می‌شود. در اصطلاح محلی به این نقاره‌ها، «طبل امامزاده» می‌گویند و دلیل اجرای آن را یادآوری شکوه و معنویت امامزاده می‌دانند.

این مراسم دارای سابقه‌ای طولانی است. نقاره‌های این امامزاده بسیار قدیمی هستند؛ طوری که تاریخ حک شده بر روی بدنه یکی از سازها، ۱۳۴۰ قمری است که تمام آنها وقف امامزاده شده‌اند. از این ساز در مراسم عزاداری ماه محرم که از سوی دسته‌های عزاداری شهداد انجام می‌گیرد نیز استفاده می‌شود. ضرباهنگ اجرایی این نوع نقاره برای مناسبت‌های مختلف، متفاوت است.

در روستای دران نیز از نقاره در مراسم عزاداری و همچنین برای نوبت‌نوازی استفاده می‌شود. قطعه «سلام بر خورشید» که در نقاره‌نوازی امیرآباد شول اجرا می‌شود، یادآور نوبت‌نوازی در این منطقه است.

در سایر نواحی استان، نقاره را فقط در مراسم شادمانی به کار می‌برند. در بعضی از نواحی کرمان به نقاره بزرگ «ناقاره» و به نقاره کوچک «زیل» گفته می‌شود. نام زیل احتمالاً مأخوذ از صدای زیرتر آن است.

اگر دو نقاره را کنار هم می‌بستند و به آنها ضربه می‌زدند، نقاره جفتو می‌گفتند.

۱-۱-۱۰. تمبک محلی

این ساز را کولیان، عشایر و نوازندگان بومی استان استفاده می‌کنند. این تمبک، چوبی و دارای تسمه‌ای چرمی است که ساز به وسیله آن به شانه نوازنده آویزان می‌شود.



تمبک محلی، مینوجان

در روستاهای اطراف بم افرادی به نام چوب پا، با به پا کردن چوب‌هایی به ارتفاع ۲/۵ تا ۳ متر، در جلوی کاروان‌های عروسی به راه می‌افتند و به نواختن این تمبک و خواندن

ترانه‌های شاد می‌پردازند. در گذشته طول چوب‌ها به چهار متر نیز می‌رسیده است.

۱-۱-۱۱. تمپو

همان سازی است که در مناطق جنوبی کشور نواخته می‌شود و در حیطه موسیقیایی استان، سازی وارداتی به حساب می‌آید. در قسمت‌هایی از استان که رطوبت هوا زیاد است و سازهایی مانند دهل، نقاره و تمبک محلی به علت طبیعی بودن پوست آنها آسیب پذیرترند، از این ساز استفاده می‌شود. معمولاً تمپو ساز همراه نی مشکی (نی‌انبان) است، ولی گاهی با سورنا نیز همراه می‌شود.

۲-۱. سازهای کوبشی بدون پوست



۱-۲-۱. کوزک

مناطق رایج شناسایی شده این ساز، دهستان‌های نزدیک فهرج و نرماشیر و همچنین باغ باغویه است. کوزک در این مناطق در دو اندازه کوچک و بزرگ استفاده می‌شود که کوزک بزرگ را با دست و کوبه‌ای قابل انعطاف (در حال

حاضر دمپایی ابری) می‌نوازند. شکل و فن نوازندگی کوزک بویژه کوزک کوچک، بسیار

جالب توجه است و با سایر کوزه‌هایی که در مناطق جنوبی ایران نواخته می‌شود، متفاوت است.

نوازندگان برای تولید صدا، هم از بدنه سفالی کوزک و هم دهنه آن (به صورت متراکم کردن هوای داخلی آن) استفاده می‌کنند. جالب اینکه صدای این کوزک شنوندگان را به یاد صدای طبل‌های هندی می‌اندازد.

۱-۲-۲. سنج انگشتی

نوعی خود صدای کوبه‌ای مضاعف که از جنس فلزاتی مانند آهن، آلومینیم، برنج و مفرغ ساخته می‌شود. هر کدام از دو قطعه آن مانند نعلبکی کوچک است. قسمت میانی هر قطعه برآمده است و در مرکز هر برآمدگی سوراخی برای عبور بند وجود دارد. این بند که نقش دسته ساز را دارد با عبور از سوراخ وسط در گودی قسمت میانی گره می‌خورد و محکم می‌شود. این ساز بیشتر به وسیله کولیان استان نواخته می‌شود.



سنج انگشتی (نمونه‌های قدیمی)

سنج انگشتی (نمونه‌های فعلی)

۱-۲-۳. چوسر (چوب سحر)

چوبی است به ارتفاع بیش از دو متر که با زنگوله، قفل، دعا نوشته، پارچه‌های رنگی، خرمهره و خرده فلز تزئین شده است.

این ساز در بعضی از منشعبات ایل قرائی (qarâei) (در اصطلاح محلی قره‌ای) به وسیله فردی با کوبیدن به زمین (در ریتم‌های نامشخص) به صدا درمی‌آید.

۱-۲-۴. چلیک (çelik)

نوعی ساز حلبی است که با چوب نواخته می‌شود. از این ساز در روستای راویز (râviz) رفسنجان و در مراسم مذهبی استفاده می‌شود. در مناطقی از استان نیز، از این ساز برای بیدار کردن مردم در سحرهای ماه مبارک رمضان استفاده می‌شده است. در حال حاضر این ساز از حلب‌های روغن ساخته می‌شود که به وسیله طناب به شانه یا گردن نوازنده آویخته می‌شود. کوبه این ساز، چوبی و بیشتر از جنس چوب پسته یا گردوست.



چلیک

۲. سازهای بادی

سازهای بادی استان شامل سورنا، گَرنا، سفید مهره، نی محلی، نی جفتو، نی مشکلی، فیکو (fiqu) شاخ نفیر، سوتک، کفکو (kofku)، سوتک اناری، بلبون (belebun) و تیپچه است.

۱-۲. سورنا

شاخص‌ترین ساز محلی استان، سورناست که جایگاه ویژه‌ای در میراث موسیقیایی دیار کرمان دارد و به طور کلی قصه‌گوی حماسه خون و جنون و سور و سوگ است و در تمام مناطق استان، حضور پررنگ‌تری نسبت به سایر سازها دارد. برای همین به سورنا در اصطلاح محلی ساز و به نوازنده آن سازی گفته می‌شود. سورنا و سورنانوازی در استان کرمان سابقه‌ای طولانی دارد. باستان‌شناسان در کاوش‌های باستانی منطقه بشاگرد به نوعی

سورنا دست یافته‌اند که قدمتی هفت هزارساله دارد. سورنای دیگری مربوط به دوره هخامنشی در موزه ساز کرمان نگهداری می‌شود.



سورنای هخامنشی (موزه ساز کرمان)

در استان کرمان از چهار نوع سورنا استفاده می‌شود. شاید تنها سورنای گلی جهان در روستای سبلوییه زرنند (بناوند) باشد.



سورنای نوع چهارم (گلی)



سورنای نوع سوم



سورنای نوع اول

در سورنناوای استان، شیوه خاصی وجود دارد که نوازنده با جمع کردن و فشردن هوا در دهان از راه بینی، از قطع صدا در هنگام دم جلوگیری می‌کند. به این فن «نفس گردون» می‌گویند. در برخی نواحی استان از جمله کهنوج و جیرفت، نوازندگان سورنا و گاهی دهل و جره، بویژه نوازندگان کولی، کمر بند یا تسمه‌ای که روی آن تعدادی زنگوله از جنس غُر نصب شده است، به کمر می‌بندند. استفاده از این زنگوله‌ها بیشتر از آنکه مربوط به صدای آنها باشد، نشانه نوازنده بودن فردی است که آنها را به کمر بسته است. به عبارت دیگر،

بخشی از رسم و آیین نوازندگی در این مناطق، بستن این زنگوله‌ها به کمر است. فلسفه و علت عنوان و نامگذاری «عُر» بر این کمربندها، احتمالاً استفاده طایفه غربت و غربتو از این نوع کمر بند است.

کرنای شهربابک



۲-۲. کرنا

شکل کرنا مانند سورنا ولی با ابعادی بزرگ‌تر است. قسمت شیپوری کرنا فلزی و معمولاً از جنس برنج است و در مناطقی از سیرجان، شهربابک و بافت رواج دارد. معمولاً کرنا را به همراه نقاره و دهل می‌نوازند.

۲-۳. سفیدمهره

این ساز، نوع خاصی از بوق صدفی است که در مراسم عزاداری و در بعضی از نقاط استان برای اعلان فوت اشخاص به کار می‌رود؛ به طوری که برای اعلان فوت سه بار در این ساز می‌دمند و همه اهالی شهر یا روستا از واقعه آگاهی می‌یابند. صدای سفیدمهره بسیار بلند و رساست. این ساز در بین اهالی از حرمتی خاص برخوردار است. در بعضی از نواحی استان به سفیدمهره، «گوش ماهی» هم گفته می‌شود. بعضی‌ها ریشه این ساز را کشور هندوستان می‌دانند.



سفیدمهره گودیز



سفیدمهره اندوهجرد

۲-۴. نی محلی

این ساز در بیشتر مناطق استان به صورت لبی اجرا می‌شود. ابعاد و تعداد سوراخ‌های نی در استان متغیر است. اکثر نوازندگان نی، صدایی خوش دارند و در بین نی‌نوازی به غریبی‌خوانی و کرتی‌خوانی که دو نمونه مهم از سوگ‌آواهای استان کرمان هستند، می‌پردازند.

در مناطق منوجان، کهنوج، رودبار و قلعه گنج به نی محلی، «زال» گفته می‌شود.



نی محلی (نمونه قدیمی) شورآباد شهداد



نی محلی (روستاهای بم)

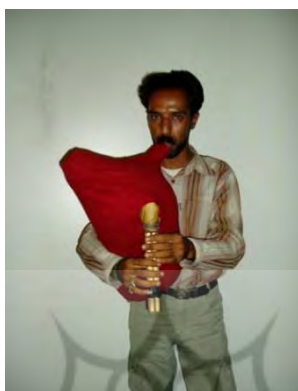
فن نفس‌گردون که در ساز سورنا توضیح داده شد، در بین نی‌نوازان نیز رایج است. مرغوب‌ترین نوع نی در استان از محلی به نام تنگه کندر که بین شهرستان‌های کهنوج و منوجان واقع است، تهیه می‌شود.

۲-۵. نی جفتو

از این ساز بیشتر در نواحی جیرفت، بم، منوجا، قلعه گنج، رودبار، عنبرآباد، شهداد و بافت استفاده می‌شود و شامل دو نی کوچک است که به وسیله روده گوسفند به هم متصل شده‌اند. اکثر نی جفتوها چهار سوراخ دارند، ولی در بعضی مناطق با پنج سوراخ هم دیده می‌شود.

۲-۶. نی مشکی

همان نی انبان جنوب کشور است که سال‌ها پیش از طریق استان هرمزگان و بیشتر از طریق حاجی آباد بندرعباس به حیطه موسیقیایی استان نفوذ کرده است و هم اکنون در اکثر مناطق استان اجرا می‌شود.



نوازنده نی مشکی (باغ باغوییه)

مقبولیت نی مشکی و ساز همراه آن (تمپو) به این علت است که خشکی یا رطوبت هوا کمتر روی آنها تأثیر می‌گذارد. معمولاً نی مشکی را نوازندگان سورنا می‌نوازند.

۲-۷. فیقو

نوعی ساز بادی است که تقریباً در تمام نواحی استان اجرا می‌شود. در بعضی مناطق، آن را از ساقه جو و در بعضی مناطق با نی می‌سازند و در بعضی نواحی نیز از جنس چوب است. فیقو، فاقد سوراخ است و فقط یک صدای واحد را تولید می‌کند. نوازندگان این ساز را کودکان تشکیل می‌دهند.



نمونه‌هایی از فیقوهای استان

۲-۸. شاخ نفیر (بوق شاخی)



سازی بادی از جنس شاخ است که قلندران و دراویش دوره‌گرد از آن استفاده می‌کنند. در گذشته از این ساز در سفرها و برای دور کردن حیوانات وحشی و ترساندن آنها استفاده می‌شد، ولی در حال حاضر برای باخبر کردن اهالی محله‌ها، برای کمک و جمع‌آوری نذورات استفاده می‌کنند.

۲-۹. سوتک

سازی از جنس گل پخته شده است که در بعضی از مناطق استان و بیشتر به وسیله نوجوانان، نواخته می‌شود. کشف سوتکی گلی، مربوط به دوران ساسانی در حفاری‌های قلعه اردشیر شهر کرمان، نشان از سابقه دیرین این ساز در استان کرمان دارد.



سوتک قدیمی گلباف رتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نوعی سوتک در استان (خصوصاً در میمند شهر بابک) ساخته می‌شود که درون آن را با آب پر می‌کنند تا صدایی شبیه به صدای پرندگان را تولید کند. به این ساز در اصطلاح «بلبلو» یا «فیقولبللی» گفته می‌شود.

۲-۱۰. کفکو (سوتک اناری)

نوعی سوتک است که از میوه انار ساخته می‌شود و در مناطقی از جبالبارز کرمان رایج است. این ساز شش سوراخ دارد و تولید صوت در آن برخلاف سوتک‌های گلی همانند فلوت است. در برخی نواحی، کفکو را دو سوراخه می‌سازند و همانند سوتک می‌نوازند.



کفکو

۲-۱۱. بلبون

سازی است شبیه نی تکی مناطق جنوبی کشور ولی با ابعادی بزرگ‌تر از جنس نی که در قمیش یا زبانه آن، نی کوچک‌تری قرار دارد که در داخل آن فرو رفته است. جنس بدنه از چوب درخت زال (نی) است. پیک هم از جنس زال با قطر کوچک‌تر است.

این ساز دارای شش و در برخی مناطق هفت سوراخ است و در مناطقی از جیرفت، منوجان و کهنوج کاربرد دارد و بیشتر به وسیله چوپان‌ها نواخته می‌شود. تعدادی از نوازندگان مطرح نی در این مناطق، نخست نوازندگی این ساز را تجربه کرده‌اند.

۲-۱۲. تیپچه

وسیله‌ای که با آن صدای پرندگان را تقلید می‌کنند تا آنها را برای شکار جلب کنند.

۳. سازهای زهی-کمانی (آرشه‌ای)

شامل چنگ، چنگ قطی و یروتی است.

۳-۱. چنگ

مهم‌ترین ساز رایج این خانواده نوعی قیچک است که در اصطلاح محلی به آن چنگ گفته می‌شود. این ساز در مناطقی از جیرفت و بم، منوجان، کهنوج، قلعه گنج، رودبار و بردسیر رواج دارد و به نوازنده آن، چنگی گفته می‌شود. تعداد سیم‌های این ساز، بین ۸ تا ۱۲ عدد متغیر است.

جنس بدنه چنگ از چوب گُل فرح، چیت یا توت و پوست روی چنگ از جنس

پوست بز است.

شایان ذکر است، به چنگ بردسیر در اصطلاح محلی کمونچه گفته می‌شود.

در مناطق جنوبی استان کرمان، به کمان و آرشه چنگ (که قیچک محلی این نواحی است) دسته چنگ گفته می‌شود. جنس چوب کمان بیشتر از چوب انار و زه آن از جنس موی اسب است.



نوازنده چنگ منوجان

۲-۳. چنگ قطی

نوع دیگر چنگ که به چنگ قطی مشهور است، از قوطی‌های حلبی و تخته ساخته می‌شود و سه سیم دارد. از این ساز بیشتر در شهرستان‌های قلعه گنج، رودبار، کهنوج و منوجان استفاده می‌شود.

۳-۳. یروتی

سازی به نام یروتی نیز در روستای برمیان ماه کنگان شهرستان منوجان شناسایی شده که دارای سه سیم است و جعبه صوتی آن متشکل از طوقی چوبی است که با پوست گوسفند پوشیده و روی تخته نصب شده است. آن طور که از نام یروتی برمی‌آید، این ساز در گذشته دارای یک سیم (یک روده) بوده است. به علت وجود پوست در ساختار جعبه صوتی، صدای یروتی لطیف‌تر از چنگ قطی است.

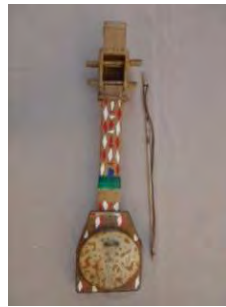
در حال حاضر سیم‌های هر سه ساز زهی نامبرده از جنس سیم کلاچ و ترمز موتور سیکلت و در آرشه از جنس سیم‌های افشان برق است که نوازنده، پیش از اجرا آنها را روی تکه‌ای قند می‌کشد تا باعث ایجاد اصطکاک بیشتر بین سیم‌های ساز و آرشه شود.

بنا به گفته نوازندگان پیشکسوت، جنس سیم‌ها در گذشته از روده حیوانات بوده و در آرشه‌ها نیز به جای سیم از موی حیوانات استفاده می‌شده است. جعبه صوتی چنگ قطی هم از جنس چوب گُناز بوده است که روی آن را با پوست گوسفند می‌پوشاندند. همه این

مواد، سازی را تشکیل می‌دهند که با صدای منحصر به فرد خود قسمتی از موسیقی محلی کرمان محسوب می‌شود.



چنگ قطی - چاه داد خدا



یروتی - ماه کنگان

جمع‌بندی

به طور کلی، موسیقی نواحی کرمان بخش مهمی از فرهنگ شفاهی این استان است. این نوع موسیقی برگرفته از آداب و رسوم، باورها و جهان‌بینی مردمانی است که در طول قرن‌ها در سازها و تصنیف‌ها جلوه‌گر شده است. موسیقی نواحی استان کرمان به لحاظ کیفیت و کمیّت منحصر به فرد است و یکی از پیچیده‌ترین حوزه‌های موسیقی‌شناسی بومی ایران محسوب می‌شود. گوناگونی مقام‌ها، ترانه‌ها و سازهای مختلف در استان، ارزش موسیقی این منطقه را نشان می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- * اغلب اطلاعات این مقاله به صورت میدانی از سوی نویسنده جمع‌آوری شده است.
۱. درویشی، محمدرضا (۱۳۸۰) دایره‌المعارف سازهای ایرانی، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری ماهور.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی